

بسم الله الرحمن الرحيم

محور همایش: سبک زندگی امام موسی کاظم (علیه السلام) در مسائل فردی

موضوع: عبادت امام موسی کاظم (علیه السلام)

محقق: زهرا حاتمی

طلبه پایه اول

حوزه علمیه خواهران مدرسه علمیه الزهرا (ع)

شهرستان استهبان

استهبان خیابان شهیدفقیهی کوچه ۱۳

چکیده :

نحوه عملکرد امام موسی کاظم علیه السلام در مسایل فردی به ویژه عبادت به چه شیوه ای بوده است؟
امام کاظم علیه السلام در ابواء از کنیزی به نام حمیده زاده شد. حضرت دارای کنیه ی زیادی هستند که مشهورترین آن ها «کاظم» است. آن بزرگوار بخش مهمی از ساعات زندگی خود را به عبادت و خلوت با خدا می گذاراند. عبادت و دعا نیاز فطری هر انسان است ؛ زیرا این میلی فطری است و راهی ست برای رسیدن به کمال. هدف از انجام این مقاله ، آشنایی با سبک زندگی امام کاظم (علیه السلام) در مسائل فردی به ویژه امور عبادی آن حضرت می باشد. این تحقیق به صورت فردی و از نوع کتابخانه ای با جمع آوری منابع و متون بوده و بیانگر آن است که حضرت کاظم اهمیت خاصی برای مسائل عبادی شان قائل بودند و از ساعات زندگی خود نهایت بهره

را می بردند و به تلاوت قرآن می پرداختند. عنایت خاص ایشان به مداومت تلاوت قرآن، نشان می‌دهد که قرآن از دیدگاه اهل بیت (علیه السلام) دارای اهمیت والایی است که ما هنوز به آن نرسیده ایم.

کلید واژه: سبک، زندگی، عبادت، امام، کاظم

مقدمه

عبادت، دعا، پرستش و نیایش، نیاز فطری و درونی انسان است؛ چرا که انسان فطرتاً به گونه ای آفریده شده که در هر وضعیتی قرار داشته باشد مایل به عبادت و محتاج به پرستش است. به همین جهت، هیچ قوم و گروهی از انسانها عاری از پرستش و نیایش نبوده اند و دانشمندان هم معترف اند که یکی از چهار میل اساسی انسان (حس دانایی، حس نیکی، حس زیبایی و حس مذهبی) میل به پرستش و نیایش است.

آلکسیس کارل، روان شناس معروف می گوید: «فقدان نیایش در میان ملتی برابر با سقوط آن ملت است؛ اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد ماند.»^۱ نیایش، آلکسیس کارل، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۰)

و از طرف دیگر، عبادت و دعا راهی به سوی کمال، بلکه تنها راه رسیدن به کمال و سعادت ابدی دنیا و آخرت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «ان عند الله عزوجل منزلة لاتنال الا بمسالة»^۲ اصول کافی محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۳۸، ح ۳) در نزد خداوند مقاماتی است که بدون درخواست [و دعا، کسی] به آن نمی رسد.»

یکی از دانشمندان می گوید: «وقتی که ما نیایش می کنیم، خود را به قوه پایان ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است، متصل و مربوط می سازیم.»^۳ آیین زندگی، ص ۱۵۶ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۱) و

اضافه می کند: «امروز جدیدترین علم؛ روان پزشکی، همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند، چرا؟ به علت اینکه روان پزشکان دریافته اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب نیم بیشتری از ناراحتیهای ما است، برطرف می سازد.»^۴ آیین زندگی، ص ۱۵۲ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۲)

این مقاله به صورت فردی و به روش کتابخانه ای انجام شده است، که در آن سبک؛ شیوه و روش عبادت و بندگی پیشوا و امام موسی کاظم که فرو برنده خشم بودند در معیشت و زندگی فدری ایشان مورد بررسی قرار گرفته است.

الف- عبادت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام)

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به شهادت تاریخ و حتی مخالفان، بخش مهمی از ساعات زندگی خویش را به عبادت و دعا و نیایش و مناجات گذراند و ارزشمندترین لحظات آن حضرت زمانی بود که با خدای خویش خلوت داشت. او با تمام وجود و احساس و عاطفه اش متوجه خداوند بود. هرگاه در حال نماز یا مناجات در پیشگاه خدای بزرگ قرار می گرفت، اشکش چون باران جاری بود و از خوف عظمت خداوند مضطرب بود: «انه كان يصلي نوافل الليل ويصلها بصلاة الصبح، ثم يعقب حتى تطلع الشمس، ويخر لله ساجدا فلا يرفع راسه من الدعاء والتمجيد حتى يقرب زوال الشمس»^۵ الارشاد، شيخ مفيد، ج ۲، ص ۲۳۱؛ كشف الغم، اربلي، ج ۳، ص ۱۸؛ اعلام الهداية الامام موسی بن جعفر (مجمع عالمی اهل بیت، چاپ اول، ۱۴۲۲)، ج ۹، ص ۲۸ همیشه این گونه بود که نوافل شب را می خواند و آن را به نماز صبح وصل می کرد. آن گاه تا طلوع آفتاب به تعقیبات نماز می پرداخت. سپس به سجده می افتاد و سر از سجده و دعا و تمجید (الهی) تا نزدیک زوال بر نمی داشت.»

هرگاه داخل مسجدالحرام می شد، به سجده می افتاد و با اشک جاری و اخلاص و خشوع عرضه می داشت: «عظم الذنب من عبدك، فليحسن العفو من عندك»^۶ اعلام الهدایه، ص ۲۹؛ وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۲۹۳؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۷؛ انوار البهیة، شیخ عباس قمی، ص ۱۹۰) گناه بنده ات بزرگ شد، پس بخشودگی از نزد تو چه زیبا است.»

و در زیارت نامه آن حضرت چنین می خوانیم: «وصل علی موسی بن جعفر وصی الابرار وامام الاخیار ... الذی کان یحیی اللیل بالسهر الی السحر بمواصلة الاستغفار حلیف السجدة الطویلة والدموع الغزیرة والمناجاة الكثیرة والضراعات المتصلة»^۷ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، صلوات بر امام موسی کاظم علیه السلام، ص ۷۹۱؛ ر. ک: چهارده معصوم، حسین مظاهری، (کانون پرورش فکری قم، ۱۳۶۳، چاپ اول) ص ۱۰۶؛ منتهی الآمال، ص ۱۲۳) درود بر موسی بن جعفر علیه السلام وصی نیکان و پیشوای برگزیدگان ... آن کسی که شب را تا سحر [زنده می داشت و] به استغفار همیشگی و سجده های طولانی و گریه های سرشار و مناجات بسیار و ناله های پی در پی بیدار بود.»

حتی مخالفان آن امام نیز بدین امر اعتراف نموده اند؛ محمد بن طلحه شافعی درباره آن حضرت می گوید: «انه الامام جلیل القدر عظیم الشان کثیر التهجد المواظب علی الطاعات المشهور بالکرامات مسهر الیل بالسجدة والقیام وتمم الیوم بالصیام والصدقة والخیرات المسمی بالکاظم لعفوه واحسانه بمن اسائه والمسمی بالعبد الصالح لکثرة عبوديته والمشهور بباب الحوائج اذ کل من یتوسل الیه اصاب حاجته . کراماته تحار منها العقول»^۸ چهارده معصوم، ص ۱۰۹؛ ر. ک: منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۲ - ۱۲۳) به راستی او (موسی بن جعفر) پیشوای جلیل القدر و بزرگ منزلت است . او شب زنده دار و مواظب بر طاعات (پروردگار) است . مشهور به کرامات می باشد، شب تا صبح به سجده و نماز [و عبادت] می پردازد و روز را به روزه و اعانت و خیرات [به دیگران] به پایان می رساند .

کاظم (فرو برنده خشم) نامیده شده، به خاطر گذشت و احسانش به افرادی که به او بدی کرده اند. بنده صالح نامیده شده، به خاطر زیادی بندگی [و عبادت]. و به «باب الحوائج» مشهور می باشد؛ زیرا هر کس به او متوسل شود به حاجتش می رسد. کرامات او به قدری فراوان است که عقلها از آنها در تحیر می ماند.»

مامون از پدرش هارون (که دشمن جان حضرت و قاتل او بود) چنین نقل نموده است: «اذ دخل شیخ مسخد قد انهکتہ العبادۃ کانه شن قد کلم السجود وجهه وانفه؛^۹ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۳) پیرمردی وارد شد که صورتش از شب بیداری زرد شده و ورم کرده بود و عبادت او را رنجور و لاغر نموده و همچون مشک خشکیده شده و زیادی سجده پیشانی و بینی او را مجروح نموده بود.»

از عبدالله قزوینی نقل شده که روزی بر فضل بن ربیع وارد شدم، در حالی که بر بام خانه خود نشسته بود و آن گاه که نگاهش بر من افتاد، مرا نزد خود طلبید و گفت: از این روزنه نگاه کن چه می بینی؟ گفتم: جامه ای که بر زمین افتاده است. گفت: با دقت نگاه کن! چون دقت بیشتری به خرج دادم، گفتم: انسانی می نماید که به سجده رفته است. گفت: او را می شناسی؟ گفتم: نه. گفت: این مولای تو است. گفتم: مولای من کیست؟ گفت: تجاهل می کنی؟ گفتم: نه، من مولایی برای خود نمی شناسم. گفت: این موسی بن جعفر علیه السلام است، که من شب و روز مواظب حالات او هستم و او را جز به این حال که می بینی، نمی یابم؛ چون نماز صبح را اقامه می کند تا طلوع آفتاب مشغول تعقیبات است. آن گاه به سجده می رود و به همان حال باقی است تا زوال شمس، و به کسی سپرده است که هنگام زوال و ظهر به او خبر دهد، آن گاه بدون تجدید وضو مشغول نماز ظهر و عصر و نافله آن می شود و باز به سجده می رود تا غروب آفتاب و بعد از نماز مغرب و عشاء و تعقیبات آن افطار می کند، و بعد از آن تجدید وضو نموده به سجده می رود، بعد از سجده طولانی، به بستر خواب رفته، و بعد از بیداری و تجدید وضو مشغول عبادت و نماز می شود تا اذان صبح ... از آن روزی که او را نزد من آورده اند، پیوسته کار و عادتش این است و چیزی جز عبادت از او ندیده ام، عبدالله می گوید: چون این سخن را از او شنیدم گفتم: از خدا ترس و

قصده بدی نسبت به او نداشته باش که باعث زوال نعمت از تو می شود؛ زیرا هر کس به این [خانواده] بدی کرده است، به سرعت در همین دنیا به جزای خود رسیده است .

فضل گفت: بارها نزد من آورده اند که او را به شهادت برسانم، ولی من زیر بار نرفته ام و به آنها گفته ام که این کار از من ساخته نیست .^{۱۰} (منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۳، با تصرف و تغییر)

آنچه در عبادات و دعا‌های آن حضرت قابل دقت و توجه می باشد، این است که هرگز عباداتی خشک و بی روح و بی اثر و عاداتی خالی از توجه نبوده است؛ بلکه عبادات آن حضرت ویژگیهایی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود .

ب- ویژگیهای عبادت امام هفتم علیه السلام

۱. عبادت عاشقانه

مهم ترین ویژگی که به عبادت ارزش و عظمت می دهد، و نیازهای فطری انسان را برآورده می کند و به قله سعادت و کمال می رساند، عاشقانه عبادت نمودن است . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «برترین افراد کسی است که عاشق عبادت باشد؛ سپس به عبادت تن دهد و آن را از دل دوست بدارد و با جسد با آن مباشرت داشته و خود را برای آن فارغ نموده باشد ...»^{۱۱} (افضل الناس من عشق العبادۃ فعانقها واحبها بقلبه وباشرها بجسده وتضرع لها ...» ر . ک: منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، سید حمید حسینی، (قم، دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۸۰) ص ۳۲۵، ح ۳۹۳۱)

وقتی که طاغوت زمان، هارون الرشید امام موسی بن جعفر علیهما السلام را در قعر زندانهای تاریک و نمودر زندانی نمود، و احساس کرد که جای خلوتی برای ابراز عشق و محبت به معبود خود یافته، دست به آسمان برداشته، عاشقانه عرضه داشت:

«اللهم اننى كنت اسالك ان تفرغنى لعبادتك اللهم وقد فعلت فلک الحمد؛^{۱۲} اعلام الهدايه، ج ۹، ص ۲۹؛ حياؤه الامام موسى بن جعفر عليه السلام، ج ۱، ص ۱۴۰) بارخدایا! به راستی من همیشه درخواست می کردم که به من محل خلوتی برای عبادت خود عنایت نمایی. خدایا! این کار را انجام دادی، پس ستایش برای تو است.»

به راستی جز عشق به خدا و عبادت نام دیگری نمی توان بر جملات فوق گذاشت؛ چنان که گاهی نماز و سجده انجام می داد و یا دعا می خواند تا با معشوق خویش سخن بگوید، و گاه قرآن تلاوت می نمود تا خدای با او سخن بگوید، و انس شبهای تار او صوت قرآن عارفانه او بود. از «المناقب» چنین نقل شده است: «کان الذکر الحکیم رفیق الامام فی خلواته، و صاحبه فی وحشته وکان یتلوه بامعان و تدبیر وکان من احسن الناس صوتا به، فاذا قرا یحزن ویبکی السامعون لتلاوته؛^{۱۳} اعلام الهدايه، ج ۹، ص ۳۱؛ المناقب، ج ۴، ص ۳۴۸) قرآن حکیم یار تنهاییهای امام (موسی بن جعفر علیهما السلام) و مونس وحشتش بود، همیشه قرآن را با دقت و تدبیر تلاوت می نمود، و دارای زیباترین صوت قرآنی بود. هرگاه قرآن می خواند، شنوندگان به خاطر تلاوتش محزون می شدند و گریه می کردند.»

حفص درباره قرائت حضرت می گوید: «وکان قراءته حزنا فاذا قرا فکانه یخاطب انسانا؛^{۱۴} اعلام الهدايه؛ و ر. ک: الدرالنظیم فی مناقب الائمه، یوسف بن حاتم شامی) خواندن قرآنش حزین بود. پس هرگاه قرآن می خواند بگونه ای می خواند که گویا با انسانی سخن می گوید.»

۲. عبادت آگاهانه

عبادت حضرت با علم و معرفت بود؛ چرا که او آگاه ترین فرد زمان خویش نسبت به مسائل دینی و صفات جمال و جلال خداوند بود.^{۱۵} (الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۵) پدر بزرگوارش، امام صادق علیه السلام درباره علم و معرفت او می فرماید: «ان ابني هذا لو سألته عما بین دفنی المصحف لاجابک فيه بعلم؛^{۱۶} اعلام الهدايه، ج ۹، ص ۲۷) به

راستی این پسر را اگر از آنچه در قرآن آمده سؤال نمایی، آگاهانه جواب می دهد.» و در جای دیگر فرمود:

«وعنده علم الحكمة، والفهم، والسخاء، والمعرفة بما يحتاج اليه الناس فيما اختلفوا من امر دينهم»^{۱۷}

(اعلام الهداية، ج ۹، ص ۲۷) در نزد اوست علم حکمت و فهم، و سخاوت‌مندی، و شناخت نسبت به معارف دینی که مردم به آن نیاز دارند.»

شواهدی نشان می دهد که عبادت حضرت، از روی آگاهی و از سر شناخت اوج عظمت الهی بوده است، مثل:

یک) حضرت به یکی از فرزنداناش فرمود: «يا بنی ایاک ان یراک الله فی معصية نهاک عنها، وایاک ان یفقدک عند

طاعة امرک بها، وعلیک بالجد ولا تخرجن نفسک من التقصیر فی عبادۃ الله وطاعته، فان الله لا یعبد حق عبادته»^{۱۸}

(تحف العقول، ص ۷۴۶، ح ۱۵) ای پسر عزیزم! مبدا خداوند تو را در گناهی که از آن نهی کرده، ببیند، و مبدا تو

را در عبادتی که تو را به آن فرمان داده، نیابد و بر تو باد بر تلاش کردن، و همیشه احساسات این باشد که در

عبادت خدا و اطاعت او کوتاهی کرده ای؛ چرا که خداوند آن گونه که حق عبادت اوست، عبادت نمی شود.»

اینکه انسان همیشه خود را مقصر بداند، و درک کند که حق عبادت خدا را نمی تواند ادا کند، نشانه عمق معرفت

به عظمت و جلالت الهی است؛ چنان که آن حضرت با همه تلاشهای شبانه روزی در عبادت حق، خود را مقصر و

عبادات خویش را ناچیز می دانست.

دو) در جای دیگر فرمود: «تفقهوا فان الفقه مفتاح البصيرة وتمام العبادۃ والسبب الی المنازل الرفیعة والرتب الجلیلة فی

الدین والدنیا، وفضل الفقیه علی العابد کفضل الشمس علی الکواکب ومن لم یتفقه فی دینه لم یرض الله له عملا»^{۱۹}

(تحف العقول، ص ۷۴۸) تفقه کنید [و دین را بشناسید] زیرا که فقه [و فهم] کلید بصیرت، و کمال عبادت است، و

راه رسیدن به جایگاههای بلند و مراتب باعظمت در دین و دنیاست و برتری دین شناس بر عبادت پیشه، همانند

برتری خورشید بر ستارگان است و هر کس فهم دینش را دنبال نکرد خدا از عمل او خرسند نگشت.»

در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم که ایشان «عیبه الانوار» یعنی صندوقچه جواهرات علم الهی بود. ^{۲۰} (چهارده معصوم، ص ۱۰۹)

۳. عبادت پیوسته و مستمر

از دیگر ویژگیهای مطلوب یک عبادت، مداومت و استمرار بر آن است. الکسیس کارل می گوید: «البته نباید فراموش کرد که تنها صبح نیایش کردن و بقیه روز همچون یک وحشی به سر بردن، بیهوده است. باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال با توجه بود تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد.» ^{۲۱} (نیایش، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۰)

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام عبادت پیوسته، حضور دائمی و مناجات همیشگی داشت؛ لذا در زیارت نامه حضرت می خوانیم: «حلیف السجده الطویله والدموع الغزیره والمناجاة الكثیره والضراعات المتصلة» ^{۲۲} مفاتیح الجنان، صلوات بر امام موسی کاظم علیه السلام، ص ۷۹۱) سجده های طولانی و گریه های سرشار و مناجات زیاد همیشگی و ناله های پی در پی داشت.»

از شافعی نقل شده که درباره او گفته است: «کثیر التهجد المواظب علی الطاعات» ^{۲۳} (چهارده معصوم، ص ۱۰۹) زیاد شب زنده دار و مواظب بر طاعات (پروردگار) است. و مامون عباسی نیز درباره او گفته است: «آن قدر عبادت می کرد که صورتش زخمی شده بود.»

سبط ابن جوزی می گوید: «ویدعی بالعبد الصالح لعبادته واجتهاده وقيامه باللیل» ^{۲۴} (تذکره الخواص، ص ۳۱۲؛ اعلام الهدایه، ج ۹، ص ۲۳) و [موسی بن جعفر] به خاطر عبادت و تلاش [پیوسته] و شب بیداری اش عبد صالح خوانده می شد.»

احمد بن یوسف دمشقی قرمانی نیز می گوید: «هو الامام الكبير القدر ... الحجة، الساهر ليله قائما القاطع نهاره صائما; ٢٥ اعلام الهداية، ص ٢٤; اخبار الدول، ص ١١٢) او [موسی بن جعفر] پیشوای بزرگ منزلت و حجت [خدا] است که شبها به حال نماز بیدار، و روزها روزه دار است.»

محمد خواجه بخاری درباره او گفته است: «كان يدعى بالعبد الصالح، وفي كل يوم يسجد الله سجدة طويلاً بعد ارتفاع الشمس الى الزوال; ٢٦ اعلام الهداية، ج ٩، ص ٢٥) او به عبدصالح خوانده می شد و در هر روز پس از بالا آمدن خورشید تا ظهر خدا را با سجده طولانی، سجده می کرد.» محمد بن الحسن شیبانی شاگرد ابوحنیفه نیز همین نکته را بیان کرده است. ٢٧ اعلام الهداية، ج ٩، ص ٢٩; حياة الامام موسى بن جعفر عليه السلام، ج ١، ص ١٤٠)

از دعاهایی که آن حضرت فراوان بر لب داشت این بود: «اللهم اني اسالك الرحمة عند الموت [والمغفرة بعد الموت] والعفو عند الحساب; ٢٨ منتهى الآمال، ج ٢، ص ١٢٣; اعلام الهداية، ج ٩، ص ٢٤; و ر . ر . ك: نورالابصار عبدالمؤمن شبلنجی، ص ٢١٨) خدایا! از تو راحتی لحظه جان دادن را [و بخشش بعد از مرگ را] و گذشت در نزد حسابرسی روز قیامت را درخواست می کنم.»

٤ . برترین عبادت

امام علیه السلام درباره عبادت برتر فرمودند: «صلاة النوافل قربان الى الله لكل مؤمن ... ولكل شبيء زكاة وزكاة الجسد صيام النوافل، وافضل العبادة بعد المعرفة انتظار الفرج; ٢٩ تحف العقول، ص ٧٣٤) نمازهای مستحبی نزدیک کننده هر مؤمن به خداست ... و برای هر چیزی زکاتی باشد و زکات بدن، روزه های مستحبی است و برترین عبادت پس از شناخت، انتظار فرج است.» در این روایت معرفت و انتظار فرج برترین عبادت شمرده شده است .

٥ . عبادت هدایت بخش

عبادات و مناجات امام کاظم از خصیصه هدایتگری و نجات بخشی برخوردار بود که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

یک) تحول کنیز در زندان

نقل کرده اند که هارون الرشید، برای فریب دادن، یا شکنجه و یا تحقیر نمودن آن حضرت علیه السلام در دید مردم، فاحشه ای رقاصه و زیبا را به بهانه خدمتکاری نزد ایشان فرستاد و از طرفی غلامی را گمارد که مواظب اوضاع باشد. وقتی کنیز را به محضر آن حضرت آوردند، فرمود: من نیازی به کنیز و خدمتکار ندارم؛ لذا او را برگردانید. هارون الرشید از این کار ناراحت شد و گفت: ما با اجازه او، وی را زندانی نکرده ایم تا کنیز را نیز با اجازه او به آنجا بفرستیم و بعد دوباره دستور داد کنیز را به زندان برگردانند ...

مدتی گذشت. غلام، گزارش داد که کنیز نیز به سجده افتاده و پیوسته و مرتب در سجده می گوید: «**قدوس قدوس سبحانک سبحانک سبحانک**». هارون گفت: موسی بن جعفر وی را سحر کرده است! او را با سرعت نزد من آورید. وقتی کنیز را نزد او بردند، دیدند از خوف خدا می لرزد و مرتب به آسمان نگاه می کند؛ آن گاه مشغول نماز گشت. هارون پرسید: چرا چنین می کنی، این چه حالی است که در پیش گرفته ای؟

کنیز گفت: من داستان بسیار عجیبی دارم، و آن این است که وقتی محضر امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم، او مرتب مشغول نماز و دعا بود. سرانجام به وی عرض کردم: ای مولا و سید من! آیا کاری دارید که من آن را انجام دهم؟ فرمود: من با تو کاری ندارم. عرض کردم: مامور به خدمت شما می باشم. فرمود: اینها چه بد فکر می کنند. ناگهان متوجه باغ بزرگی شدم که ابتدا و انتهای آن پایانی نداشت؛ این باغ با فرشهای زیبا و پرارزش مفروش شده بود، و کنیزان و حوریانی زیبا در آن صف کشیده بودند، و در دستهای خود ظرفهای آب و طشت برای شستن دستهای آن حضرت آماده ساخته بودند، از آن به بعد به سجده افتادم تا لحظه ای که غلام به بالین من آمد. هارون

گفت: شاید این قضایا را در خواب دیده ای؟ کنیز گفت: به خدا قسم همه اینها را قبل از اینکه به سجده روم با چشمان خود دیدم و سجده ام برای سپاس از آنها بود. هارون دستور داد از او مراقبت نمایند که این حرفها را به کسی نگوید. آن کنیز دوباره به سجده افتاد و مشغول نماز شد. همیشه کارش این بود و مرتب می گفت: عبدصالح نیز چنین می کرد و من در عالم واقع دیدم که آن کنیزان مرا خطاب کردند که از حضور امام کاظم علیه السلام دور باشم و به من گفتند که ما برای خدمت امام موسی بن جعفر برتر و مناسب تر هستیم.^{۳۰} (بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۸، ص ۲۳۸؛ جلاء العیون شبر، ج ۳، ص ۷۰؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۹۷)

(دو) بیداری شقیق

شقیق می گوید: «در سال ۱۴۹ هجری برای زیارت خانه خدا عازم مکه شدم و در بین راه چشمم به جوانی افتاد که در گوشه ای نشسته بود و لباس پشمی بر تن داشت. با خود گفتم: به خدا سوگند! این جوان از «صوفیه» است، الآن می روم و او را تحقیر می کنم. چون به نزدیک او رسیدم، به من گفت: ای شقیق! از بدگمانی دوری گزینید، زیرا بعضی از گمانها گناه است.^{۳۱} (حجرات/۱۲)

با شنیدن این جمله از او دور شدم و با خود گفتم: او از قلب من خبر داد! و با نام و نشانم با من سخن گفت! تصمیم گرفتم از وی درخواست کنم که مرا جزء دوستان خود قرار دهد تا از او استفاده نمایم. بنابراین، به دنبال او رفتم ولی هرگز به او نرسیدم و او از چشمم ناپدید شد؛ اما من همیشه به فکر او بودم و آرزو می کردم که او را دوباره ببینم. ناگاه در سرزمینی به نام «واقصه» دیدم که او مشغول نماز است و از شدت خضوع و خشوع اعضایش می لرزد و اشک از چشمانش فرو می ریزد. تصمیم گرفتم به حضور او رسیده، از وی عذرخواهی نمایم. چون از نماز فارغ شد قبل از آنکه سخن بگویم فرمود: «یا شقیق! اتل «وانی لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدی»^{۳۲} (طه/۸۲) ای شقیق! بخوان [این آیه قرآن را که خداوند می فرماید]: به راستی من می بخشم کسی را که توبه نموده، ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت یابد.»

شقیق می گوید: او وقتی آیه را خواند به راه خویش ادامه داد و من به فکر فرو رفتم و با خود گفتم: خدایا! این کیست که دو بار از قلب من خبر داد؟ لابد از ابدال و اولیای الهی است. برای بار سوم او را در کنار چاهی مشاهده کردم، او می خواست از آب چاه مشک کوچک خود را پر از آب کند، ناگهان طناب مشک پاره شد و به درون چاه افتاد. او دعایی خوانده، از خدا خواست که مشکش را برگرداند، ناگاه چاه پر از آب شد و آن جوان مشک را با دستش گرفت، و سپس از آب چاه وضو گرفته، مشغول خواندن نماز شد. بعد از انجام چهار رکعت، در گوشه ای مشغول خوردن غذا شد. من محضر او رفته، بعد از سلام عرض کردم: اجازه می دهید من هم از طعام شما استفاده کنم؟ آن جوان فرمود: ای شقیق! پیوسته نعمتهای ظاهری و باطنی خدا شامل حال ما است، تو نیز حسن ظن به خدا داشته باش و اینک بیا و از طعام موجود استفاده کن.

شقیق در کنار سفره آن جوان قرار گرفت و از غذای او که نوعی حلوا بود خورد و از آب مشک نوشید. او می گوید: این غذا را لذیذترین غذاها یافتم و تا چند روز دیگر میل به غذا و آب نداشتم. او اضافه می کند که با آن جوان وداع کردم و دیگر او را ندیدم، تا سرانجام در مکه معظمه شبی او را از دور دیدم، ساعات آخر شب بود، او مشغول نماز و مناجات بود، و مرتب زاری و گریه می کرد. چون فجر طلوع کرد به نماز صبح مشغول شد و طواف کعبه را انجام داد و هنگامی که خواست از کعبه دور شود، جمعیت زیادی دور او را گرفتند... من از یکی از آنان پرسیدم، این جوان کیست؟ جواب داد: این امام کاظم، موسی بن جعفر علیهما السلام است.^{۳۳} اثبات الهداء، حر عاملی، ج ۳، ص ۲۱۶؛ محجۀ البیضاء، فیض کاشانی، ج ۴، ص ۲۶۸؛ مناقب الاخبار، ص ۳۴؛ روض الریاحین، ص ۵۸؛ فصول المهمه، ص ۲۱۵)

ج- سفرهای حج آن بزرگوار

مسافرتهای حج آن بزرگوار که معمولاً ۲۴ تا ۲۵ روز طول می کشید با آنکه وسایل سوار شدن از هر نظر فراهم و آماده بود مرکبها و اسبهای راهوار پیش روی آن حضرت کشانده میشد بصورت پیاده انجام میگرفت و این خود

میرساند که علاقه و اخلاص آن بزرگوار بمظاهر توحید و عبادت تا چه حد بوده است. امام، چهار بار بصورت خانوادگی به بیت الله الحرام تشریف فرما شدند و در آن سفرهای خانوادگی علی بن جعفر برادر ارجمندش نیز حضور داشت و ملتزم رکاب امام و مفتخر به امتثال اوامر او بودم و چندین بار هم تنها بدون عائله و خانواده به سفر رفتند.

روش مسافرت‌های آن حضرت باین ترتیب بود که معمولاً از معاشرت و اختلاف با مردم که موجب تضییع فرصت گرانبهای عبادت خالق میگردد احتراز و اجتناب می ورزید و فقط و فقط به عبادت و سازندگی نفس، و تصفیه خویشتن، و تفکر در عظمت خالق می پرداخت. در این سیر و سلوک و اندیشه ها بود که از خود بی خود می گشت و راه تقرب و وصال را می جست که عالیترین و لذت بخش ترین حالات یک فرد با ایمان و بنده خداست. داستان ملاقات او با شقیق بلخی که در بخش آراء و گفته های دیگران آمده است که گویای این حالت سیر و سفر روحانی است. او در پایان ملاقاتش با امام طبق دریافتهای خود اعتراف نمود: که موسی بن جعفر یکی از اوتاد و ابدال روزگار می باشد». ^{۳۴} (المجالس السنیه ج ۲ ص ۵۲۷ ارشاد مفید ص ۲۶۰)

د- تلاوت و انس با قرآن:

او عاشق قرآن و فانی در اجرای احکام و محتوایات قرآن بود و لحظه ای از این امر غفلت نداشت قرآن را با صدای خوش و لحن زیبا و آواز دلربا و آهنگ روحانی و معنوی بصورت شمرده و مقطع تلاوت میفرمود. جذبه صدای او، رهگذران و مستمعین را از راه رفتن باز میداشت و تحت تاثیر خاص خود قرار میداد و گاهی آنان را به گریه و ناله می افکند. در اثر ممارست دائمی با قرآن و عبادتها و مناجاتهایی که داشت مردم مدینه در میان خود او را به «زین المتهدجین» یعنی زینت شب زنده داران و عبادت کنندگان لقب داده بودند و با آن لقب میان مردم شهرت یافته بود. ^{۳۵} (ارشاد، شیخ مفید، ص ۲۷۷)

عنایت خاص امام به تلاوت و ممارست قرآن و آیات نورانی الهی از یک حقیقت بزرگ پرده بر می دارد و آن این که قرآن از دیدگاه اهل بیت در مقام عظمت و اهمیت والاتری قرار دارد که ما هنوز به آن حقیقت نرسیده ایم آنان بهتر از همگان میدانند که قرآن چه تاثیر شگرف و فوق العاده ای در زندگی روحی و اجتماعی مردم میتواند داشته باشد و اگر محتویات و احکام آن در میان مردم پیاده و اجرا شود چه زندگی سعادت بخش و راحتی نصیب آنان خواهد شد.

مردان حدیث و روایت با اتفاق آراء اعتراف کرده اند که قهرمان گفتار ما در پرهیزکاری و پرستش حق و عبادت شبانه روزی خداوند عالم، و در عنایت و توجه به قرآن در عصر خود بی همتا و بی نظیر بود و کمتر شبی در عمر پر برکتش سپری گردید که سر بر بالین استراحت و آسایش بنهد و آسوده و غافل در بستر استراحت بیارامد و از عبادت و نیایش پروردگار و از قرائت و تلاوت آیات قرآن کریم غفلت و کوتاهی داشته باشد.

نتیجه گیری:

فضایل و کمالات امام هفتم بی شمار و برای جویندگان آن ها واضح و روشن است و این قبیل نمونه ها و الگوهای عبادت و بندگی را جز در مکتب انسان ساز اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، در جای دیگر نمی توان سراغ گرفت.

پی نوشت:

۱) نیایش، آلکسیس کارال به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۰.

۲) اصول کافی محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۳۸، ح ۳.

۳) آیین زندگی، ص ۱۵۶ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۱.

۴) همان، ص ۱۵۲ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۲.

(۵) الارشاد ، شیخ مفید ، ج ۲ ، ص ۲۳۱: کشف الغمه ، اربلی ، جلد ۳ ، ص ۱۸: اعلام الهدایه الامام موسی بن جعفر (مجمع عالمی اهل بیت ، چاپ اول ۱۴۲۲) ، ج ۹ ، ص ۳۲۸ .

(۶) اعلام الهدایه ، ص ۲۹: وفيات الاعیان ، ج ۴ ، ۳۲۹۳: تاریخ بغداد ، ج ۱۳ ، ۳۲۷: انوارالبهیہ ، شیخ عباس قمی ، ۳۱۹۰ .

(۷) مفاتیح الجناح ، شیخ عباس قمی ، صلوات بر امام موسی کاظم علیه السلام ، ۳۷۹۱: ر . ک . چهارده معصوم ، حسین مظاهری ، (کانون پرورش فکری قم ، ۱۳۶۳ ، چاپ اول ص ۱۰۶ : منتهی الامال ، ص ۱۲۳ .

(۸) چهارده معصوم ، ص ۱۰۹ : ر . ک . منتهی الامال ، ج ۲ ، ص ۱۲۲_۱۲۳ .

(۹) منتهی الامال ، ج ۲ ، ص ۱۲۳ .

(۱۰) همان ، با تصرف و تغییر .

(۱۱) افضل الناس من عشق العباده فعانقها واحبها بقله وباشرها بجسده و تضرع لها (...). ر . ک ؛ منتخب میزان

الحکمت ، محمدی ر شهری ریا ، سید حمید حسینی ، (قم ، دارالحديث ، چاپ دوم ، ۱۳۸۰) ص ۳۲۵ ، ح ۳۹۳۱ .

(۱۲) اعلام الهدایه ، ج ۹ ، ۳۲۹: حیاہ الامام موسی بن جعفر علیه السلام ، ج ۱ ، ۳۱۴۰ .

(۱۳) اعلام الهدایه ، ج ۹ ، ۳۱: المناقب ، ج ۴ ، ۳۴۸ .

(۱۴) اعلام الهدایه؛ و ر . ک ؛ الدارالنظیم فی مناقب الثمه ، یوسف بن حاتم شامی .

(۱۵) الارشاد ج ۲ ، ص ۲۲۵ .

۱۶) اعلام الهدایه ، ج ۹ ، ص ۲۷ .

۱۷) همان .

۱۸) تحف العقول ، ص ۷۴۶ ، ج ۱۵ .

۱۹) همان ، ص ۷۴۸ .

۲۰) چهارده معصوم ، ص ۱۰۹ .

۲۱) نیایش ، به نقل از تفسیر نمونه ، ج ۱ ، ص ۶۴۰ .

۲۲) مفاتیح الجنان ، صلوات بر امام موسی کاظم علیه السلام ، ص ۷۹۱ .

۲۳) چهارده معصوم ، ص ۱۰۹ .

۲۴) تذکره الخواص ، ص ۳۱۲ ؛ اعلام الهدایه ، ج ۹ ، ص ۲۳ .

۲۵) اعلام الهدایه ، ص ۲۴ ؛ اخبارالدول ، ص ۱۱۲ .

۲۶) اعلام الهدایه ، ج ۹ ، ص ۲۵ .

۲۷) همان ، ج ۹ ، ۳۲۹ ؛ حیاة الامام موسی بن جعفر علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۱۴۰ .

۲۸) منتهی الامال ، ج ۲ ، ص ۱۲۳ ؛ اعلام الهدایه ، ج ۹ ، ص ۲۴ ؛ و ر . ک ؛ نورالابصار عبدال مومن شبلنجی ، ص

۲۱۸ .

۲۹) تحف العقول ، ص ۷۳۴ .

۳۰) بهار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۸، ص ۲۳۸؛ جلاء العیونشیر، ج ۳، ص ۷۰؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۹۷.

۳۱) حجرات/۱۲.

۳۲) طه/۸۲.

۳۳) اثبات الهداه، حرعاملی، ج ۳، ص ۲۱۶؛ محجه البيضاء، فیض کاشانی، ج ۴، ص ۲۶۸؛ مناقب الخبار، ص ۳۴؛ روض الریاحین، ص ۵۸؛ فصول المهمه، ص ۲۱۵.

۳۴) المجالس السنیه، ج ۲، ص ۵۲۷؛ ارشاد مفید، ص ۲۶۰.

۳۵) ارشاد مفید، ص ۲۷۷.

منابع و مأخذ:

- ۱- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۰۸۶)، اصول کافی، قم، نشر اسوه.
- ۲- کارل، آلکسیس، (۱۳۳۹)، نیایش، ترجمه علی شریعتی، مشهد، نشر انجمن دانشجویان مشهد.
- ۳- میانجی، ابراهیم، (۱۳۸۰)، آیین زندگی در پرتو سیره و کلام معصومین (ع)، تهران، نشر مرتضوی.
- ۴- مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۵)، الارشاد، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۵- قمی، عباس، (۱۳۸۶)، منتهی الآمال، تهران، نشر نسیم حیات.
- ۶- ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۸۴)، تحف العقول، قم، نشر آل علی.

۷- ابن جوزی ، یوسف ابن قزاوغلی ، (۱۳۸۵) ، تذکره الخواص ، قم ، نشر ذوی القربی.

۸- مجلسی ، محمد باقر ، (۱۳۸۲) ، بحار الانوار ، قم ، نشر دارالکتب الاسلامی.

۹- حر عاملی ، محمد بن حسن ، (۱۳۶۴) اثبات الهداه ، شرح و ترجمه محمد نصراللهی ، احمد جنتی. تهران ، دارالکتب الاسلامیه.

۱۰- ، (۱۳۸۰) ، فصول المهم ، نجف ، بی نا.

۱۱- یافعی ، عبدالله بن اسعد ، (بی تا) ، روض الریاحین ، قبرس ، نشر موسسه عمادالدین.

۱۲- موسسه مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، (۱۳۹۰) ، اعلام الهدایه ، قم ، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

۱۳- امین ، محسن ، (۱۳۸۶) ، المجالس السنیه ، قم ، دارالکتب الحیدریه.